



**ARON
GROUPS
BROKER**

انواع نمودارها، روندها و کانال‌ها
در تحلیل تکنیکال


که هر معامله‌گری باید بداند

**ARON GROUPS
2024**



    arongroups

 arongroups.co

 arongroupsbroker_academy

آکادمی بروکر آرون گروپس



آنچه در این کتاب خواهید خواند:

معرفی انواع نمودارها در فارکس

- نمودار شمعی ژاپنی 03
- نمودار میله‌ای 06
- نمودار خطی 07

معرفی انواع روندها و خط روند ها در بازارهای مالی

- تقسیم‌بندی انواع روند 09
- روند صعودی 10
- روند نزولی 11
- روند خنثی 12
- روندهای زمانی 13
- انواع خط روند 14
- اصول کار با خط روند نحوه رسم و درجه اهمیت 15
- استراتژی معامله با خط روند 17

انواع کانال‌های قیمتی

- کانال صعودی 22
- کانال نزولی 23
- کانال افقی یا خنثی 24
- تکنیک‌های معاملاتی کانال 25

چنگال اندروز

- مقدمه 28
- چنگال اندروز چیست؟ 32
- رسم چنگال اندروز به کمک اندیکاتور Awesome Oscillator 33
- پیدا کردن نقاط چرخشی به وسیله اندیکاتور Awesome Oscillator 34
- خط میانی چنگال چیست؟ 38
- اصول چنگال اندروز 39
- تشخیص زمان لازم قیمت برای رسیدن به خط میانی 40
- سیگنال‌های معاملاتی چنگال 41



در قلمرو وسیع بازارهای مالی، بازار فارکس به‌عنوان عرصه‌ای پویا است که در آن فرصت‌ها و چالش‌های فراوانی پیش روی معامله‌گران است. از این منظر، تحلیل تکنیکال به عنوان یک ابزار قدرتمند ظاهر می‌شود و بینش‌هایی را در مورد رفتار بازار از دریچه نمودارها و روندها ارائه می‌دهد.

در قلب تحلیل تکنیکال دو ستون نهفته است: نمودارها و روندها. نمودارها به عنوان نمایش بصری حرکات قیمت در طول زمان عمل می‌کنند و نگاهی اجمالی از رقص پیچیده بین عرضه و تقاضا ارائه می‌دهند. از نمودارهای نمادین شمعی (Candle Sticks) گرفته تا ظرافت مینیمالیستی نمودارهای خطی، هر نوع نمودار، چشم‌اندازی منحصر به فرد از پویایی بازار را آشکار می‌کند و بینش‌های ارزشمندی را در مورد تغییرات بالقوه قیمت به معامله‌گران ارائه می‌دهد.

اما نمودارها به تنهایی فقط بخشی از داستان را بیان می‌کنند. جوهر واقعی تحلیل تکنیکال در رمزگشایی روندهای اساسی است که رفتار بازار را شکل می‌دهند. خواه شناسایی حرکت بی‌امان یک روند صعودی، نزول شوم یک روند نزولی، یا آب‌های آرام یک روند خنثی (رنج) باشد، درک و تفسیر این روندها برای تصمیم‌گیری آگاهانه معاملات ضروری است.

در این ایبوک، در مورد نمودارهای متداول مورد استفاده در تحلیل تکنیکال، ویژگی‌ها و کاربردهای آنها و نیز انواع روندها صحبت خواهیم کرد که هر معامله‌گری در هر سطح از فعالیت باید این مفاهیم بنیادی تحلیل تکنیکال را به خوبی فراگیرد.

معرفی انواع نمودارها در فارکس



ARON
GROUPS
BROKER

معرفی انواع نمودارها در فارکس

نمودار شمعی ژاپنی

نمودارهای شمعی یا کندل استیک (Candlestick) برای اولین بار در قرن هفدهم میلادی توسط معامله‌گران برنج در ژاپن ابداع شد. این روش نموداری بعداً توسط استیو نیسون (Steve Nison) گردآوری و بازنگری و در دهه نود میلادی در قالب کتابی منتشر شد.

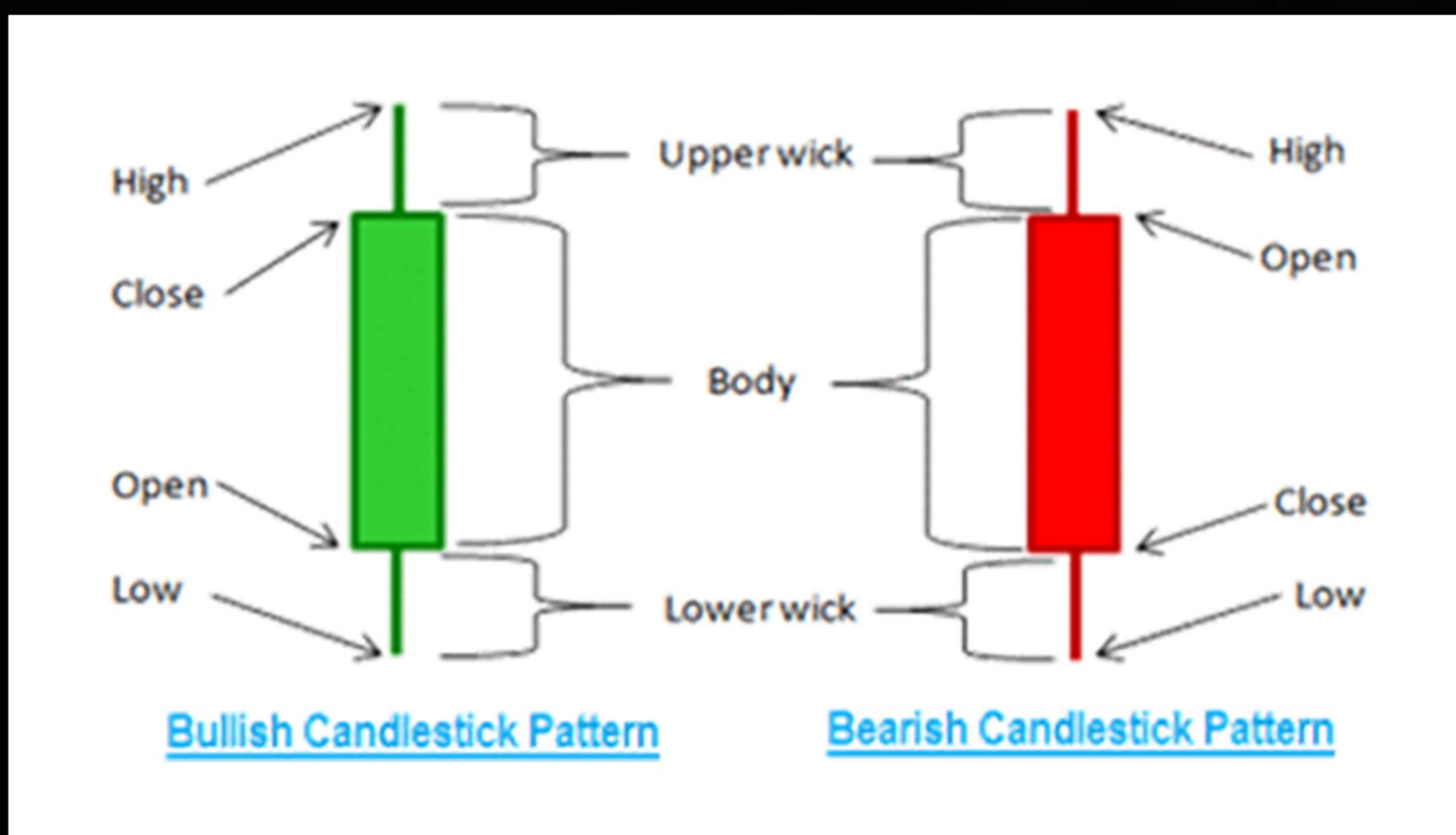
کندل‌های ژاپنی نشانگر چهار داده قیمتی هستند: بالاترین قیمت کندل، پایین‌ترین قیمت، قیمت باز شدن و قیمت بسته شدن. کندل‌های قیمتی یا صعودی هستند، یا نزولی و یا خنثی.

● اگر قیمت باز شدن کندل در زیر قیمت بسته شدن قرار داشته باشد، کندل قیمتی صعودی است.

● اگر قیمت باز شدن در بالای قیمت بسته شدن قرار داشته باشد، کندل قیمتی نزولی است.

● اگر قیمت باز شدن و بسته شدن یکسان باشد (یا فاصله ناچیزی از یکدیگر داشته باشند)، کندل قیمتی خنثی است که نشانگر برابری قدرت خریداران و فروشندگان است.

نمودارهای شمعی در بازار فارکس، سهام و کریپتو کاربرد بسیار فراوانی دارند. به کمک کندل‌های قیمتی، به راحتی می‌توان فشارهای خرید و فروش بازار را تشخیص داد. یک نگاه گذرا به کندل‌های قیمتی می‌تواند اطلاعات بسیار مفیدی از قدرت خریداران و فروشندگان نشان دهد و به آسانی تعیین کند که بازار دست فروشندگان است یا خریداران.



معرفی انواع نمودارها در فارکس

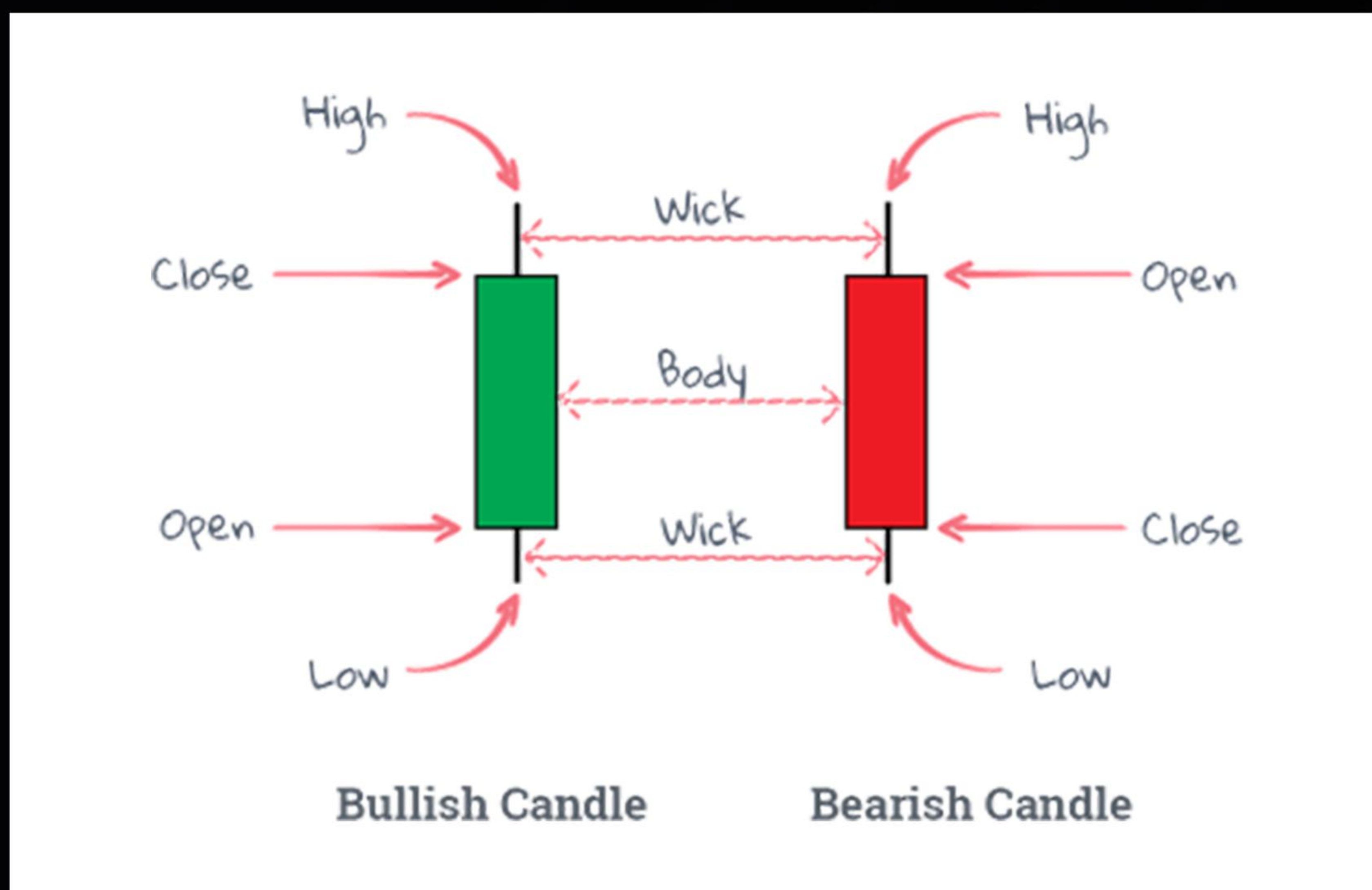
ویژگی‌های خاص این نوع نمودار به معامله‌گران کمک می‌کند تا از بازگشت روند و یا ادامه آن اطلاع یابند.

علاوه بر این، قیمت‌های باز و بسته شدن کندل‌ها در نمودارهای بلندمدت (مثل روزانه یا هفتگی) معمولاً به عنوان حمایت و مقاومت برای معاملات بین‌روزی استفاده می‌شود.

قیمت باز و بسته شدن کندل‌های ژاپنی و اوج و کف‌های ایجاد شده توسط این کندل‌ها، برای ارزیابی شکست‌های بازار کاربرد دارند. طول (بدنه) کندل‌ها هم نشان‌گر رفتار بازار است. کندل‌های صعودی بلند، حکایت از اشتیاق بالای خریداران دارد.

کندل‌های نزولی بلند هم نشان می‌دهد که فروشندگان دلیلی پیدا کرده‌اند تا ارز را به فروش برسانند. کندل‌های کوتاه هم نشانگر شک و تردید در بازار هستند. یعنی سرمایه‌گذاران در رابطه با روند بازار شک و تردید دارند. این عامل می‌تواند اولین نشانه‌ای از بازگشت بازار باشد.

دنباله‌های (شده‌های) پایینی و بالایی کندل‌های ژاپنی نشانگر کف و اوج قیمتی هستند که برای بررسی و مطالعه رفتار بازار استفاده می‌شوند. اگر دنباله بالایی کندلی بلند باشد، به این معنی است که خریداران قیمت را بالا برده‌اند، اما این فروشندگان بودند که در نهایت بازار را در دست گرفته‌اند و قیمت را پایین آورده‌اند. در مقابل، اگر دنباله پایینی کندل بلند باشد، به این معنی است که فروشندگان در پایین آوردن قیمت تمام سعی خود را کرده‌اند، اما سرانجام این خریداران بودند که بازار را در دست گرفته‌اند.



معرفی انواع نمودارها در فارکس



کندل‌های ژاپنی، الگوهای بسیار متنوعی دارند: الگوهای تک کندلی، دو کندلی و چند کندلی. این الگوهای کندلی برای معاملات بلندمدت و بین‌روزی بسیار مفید هستند. منظور از الگوهای تک کندلی، الگوهایی هستند که تنها شامل یک کندل ژاپنی می‌شوند. این الگوها می‌توانند نشانگر ادامه روند و یا برگشت روند باشند. الگوهای دو کندلی هم برای تشخیص بازگشت یا ادامه روند مناسب هستند. تنها تفاوت الگوهای دوتایی در این است که کندل اول برای تعیین بازگشت یا ادامه روند به کار می‌رود و کندل دوم، این سیگنال بازگشتی یا ادامه روند را تایید یا نقض می‌کند. یعنی با استفاده از کندل دوم تشخیص می‌دهیم که بازگشت یا ادامه روندی که کندل اول نشان داده، صحت دارد یا خیر. الگوهای چند کندلی کمی پیچیده‌تر هستند. الگوهای چند کندلی معمولاً شامل سه کندل قیمتی می‌شوند. از این الگو بیشتر در معاملات بلندمدت استفاده می‌شود. الگوهای چند کندلی نسبت به سایر الگوها کمتر در بازار مشاهده می‌شوند، اما از قطعیت بالایی برخوردارند. بایستی گفت که نباید تنها بر اساس الگوهای کندلی اقدام به معامله کرد. بلکه بایستی از این الگوها به عنوان ابزاری موثر در جهت درک رفتار بازار و افزایش احتمال موفقیت معاملات استفاده شود.

معرفی انواع نمودارها در فارکس

نمودار میله‌ای

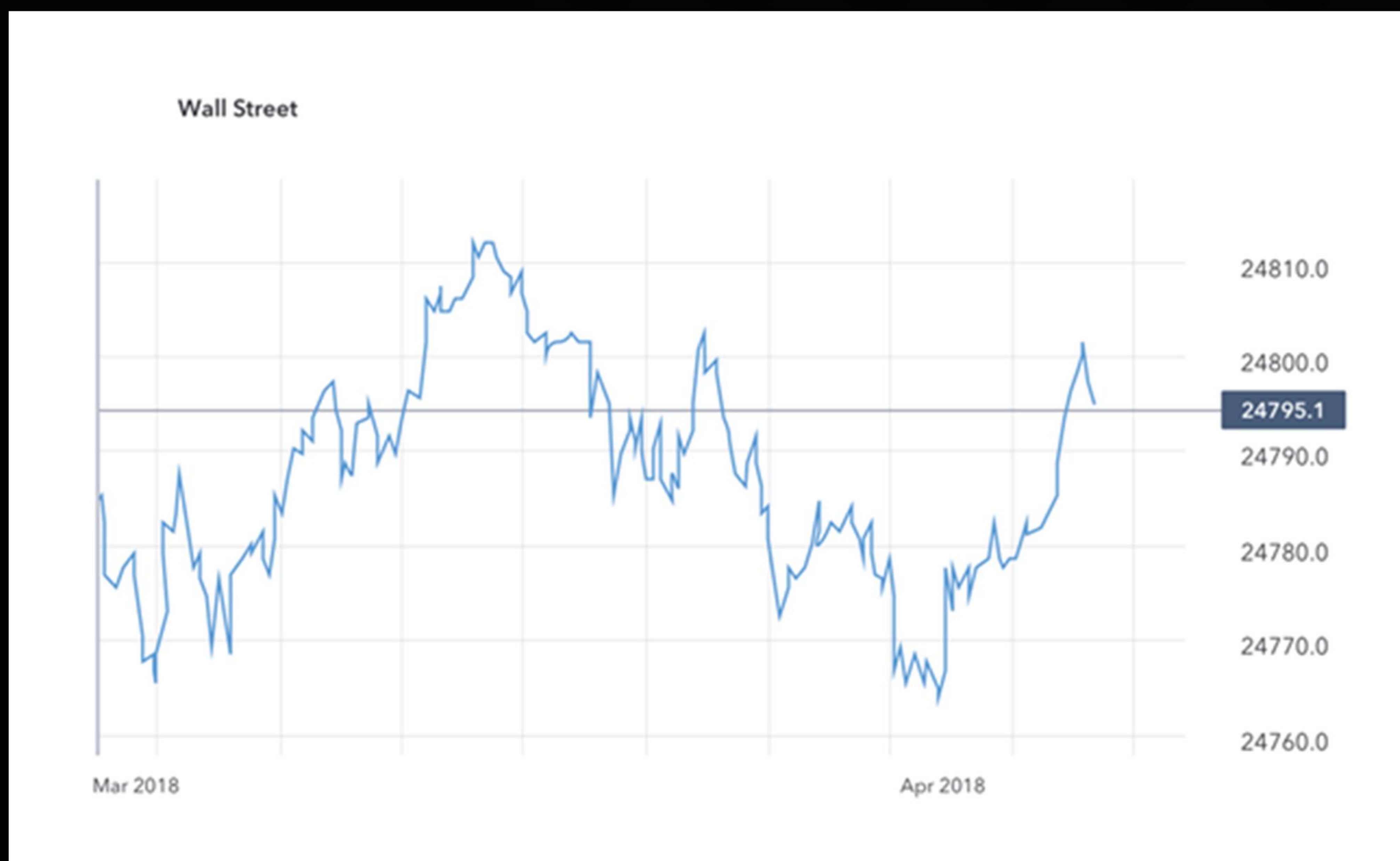
نمودارهای میله‌ای که به بار هم معروف هستند، یکی از بهترین ابزارها برای تحلیل جفت ارزهای فارکسی است. این چارت خیلی ساده و سریع می‌تواند اوج و کفهای قیمتی را به همراه قیمت باز و بسته شدن نمایش دهد. این نوع نمودار از میله‌های عمودی برای نمایش داده‌های قیمتی هر میله استفاده می‌کند. قیمت باز شدن بار با یک پاره خط کوتاه که در سمت چپ میله قرار دارد نمایش داده می‌شود. قیمت بسته شدن هم پاره خط کوتاهی است که در سمت راست میله قرار دارد.



معرفی انواع نمودارها در فارکس

نمودار خطی

نمودار خطی همان‌طور که از نامش پیداست نشانگر یک خط است. این ساده‌ترین نوع نمودار قیمت - زمان است. در واقع نمودار خطی از به هم وصل شدن نقطه‌ها تشکیل می‌شود. هر نقطه هم تنها زمانی در نمودار قیمتی ثبت می‌شود که قیمت نهایی ثبت شده باشد. یعنی تا وقتی که قیمت نهایی ثبت نشده، نقطه جدیدی ثبت نخواهد شد و انتهای نمودار خطی می‌تواند به هر شکلی بسته شود. معمولاً از قیمت پایانی یا Close برای رسم نمودار خطی استفاده می‌شود. این نمودار نوسانات اصلی بازار را نشان نمی‌دهد و تنها قیمت پایانی را نشان می‌دهد. به همین دلیل در مقایسه با سایر نمودارها، اطلاعات کمتری را در اختیار معامله‌گر قرار می‌دهد. معمولاً این نمودار خوانایی ساده‌ای دارد و بسیاری از معامله‌گران از این نوع چارت برای بررسی بازار، بدون در نظر گرفتن نوسانات جزئی، استفاده می‌کنند. نمودار زمانی نشانگر حرکت قیمت (نه نوسانات) در طول زمان است و برای ارزیابی چشم‌انداز کلی بازار مفید است.



معرفی انواع روندها و خط روندها در بازارهای مالی



ARON
GROUPS
BROKER

معرفی انواع روندها و خط روند ها در بازارهای مالی

تقسیم بندی انواع روند

روندها (ترندها) دارای سه جهت کلی هستند: ۱- روند صعودی ۲- روند نزولی ۳- روند خنثی

۱. در روند صعودی قیمت بیشتر از آنکه تمایل به تضعیف داشته باشد تمایل به تقویت و بالا رفتن دارد. در روند صعودی معقولترین کار خریدن و باقی ماندن در بازار تا تشخیص انتهای روند صعودی است.

۲. در روند نزولی قیمت بیشتر از آنکه تمایل به تقویت داشته باشد تمایل به تضعیف و پایین آمدن دارد. در روند نزولی معقولترین کار فروختن و باقی ماندن در بازار تا تشخیص انتهای روند نزولی است. (در بازارهای یک طرفه فروختن به معنی بی معامله ماندن و نظاره کردن است.)

۳. روند خنثی بیان کننده قدرت برابر خریداران و فروشندگان در زمانی خاص است. عموماً آنچه در روند خنثی دیده می شود در بازه های زمانی کوتاه تر تلفیقی از روندهای صعودی و نزولی است و در بازه های زمانی بلندمدت روند خنثی، خود جزئی از یک روند دیگر است. در روندهای خنثی یا معامله گر باید تا زمان چیرگی قدرت یکی از گروه خریداران یا فروشندگان نظاره گر باشد و یا از روندهای کوچک صعودی و نزولی بازار منتفع شود.

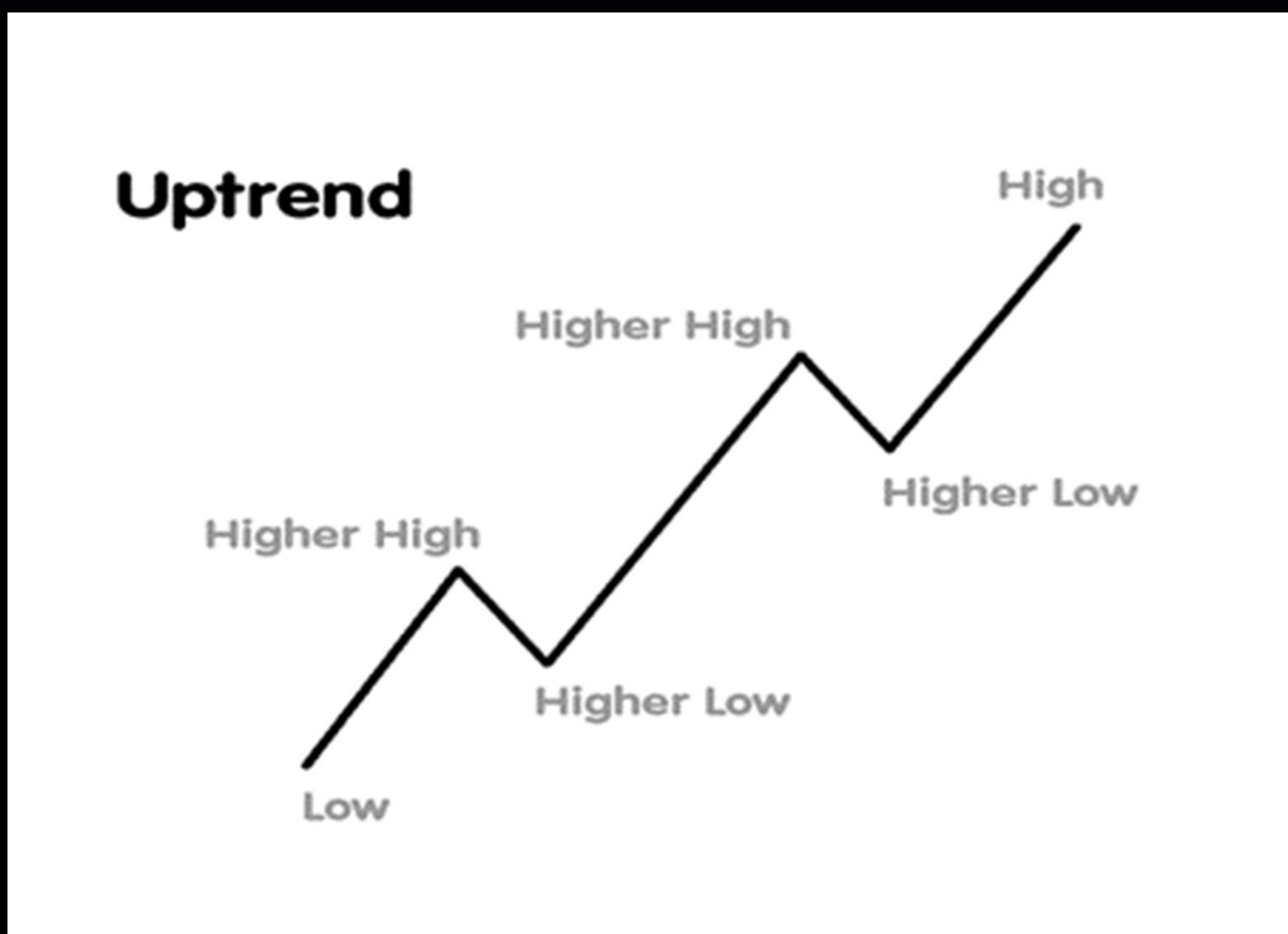
به طور کلی در روند نزولی، با کاهش قیمت، شاهد کف های قیمتی جدیدی هستیم که نسبت به کف قیمتی قبلی در سطوح پایین تری قرار دارند، و همچنین اوج های قیمتی نمودار هم نسبت به اوج های قبلی پایین تر هستند. این ساختار کلی روند نزولی است و هر موقع که به ساختار نزولی اشاره می شود، منظور کف ها و اوج های قیمتی جدیدی است که پایین تر از سطوح قبلی بازار قرار دارند. در نمودار زیر به راحتی می توان این مفهوم را درک کرد. هر چند این روش برای تعیین روند بازار به نظر ساده می آید، ولی این مهمترین و مطمئن ترین روش برای تعیین روند بازار است.



معرفی انواع روندها و خط روند ها در بازارهای مالی

روند صعودی

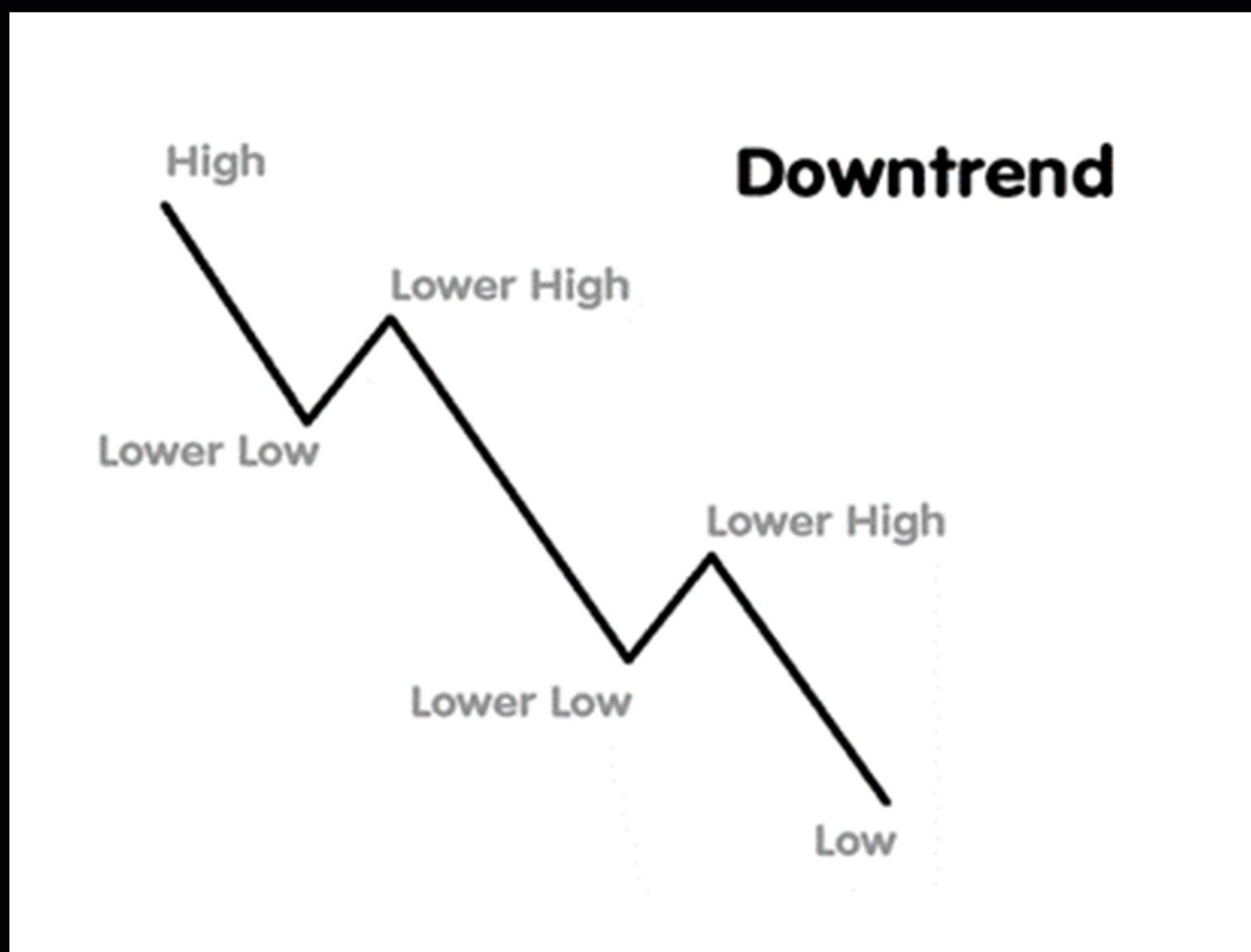
در روند صعودی، با افزایش قیمت، شاهد سقف‌های قیمتی جدیدی هستیم که نسبت به سقف قیمتی قبلی در سطوح بالاتری قرار دارند و همچنین کف‌های قیمتی نمودار هم نسبت به کف‌های قبلی بالاتر هستند. این ساختار کلی روند صعودی است و هر موقع که به ساختار صعودی اشاره می‌شود، منظور کف‌ها و اوج‌های قیمتی جدیدی است که بالاتر از سطوح قبلی بازار قرار دارند. در نمودار زیر به راحتی می‌توان این مفهوم را درک کرد. هر چند این روش برای تعیین روند بازار به نظر ساده می‌آید، ولی این مهم‌ترین و مطمئن‌ترین روش برای تعیین روند بازار است.



معرفی انواع روندها و خط روند ها در بازارهای مالی

روند نزولی

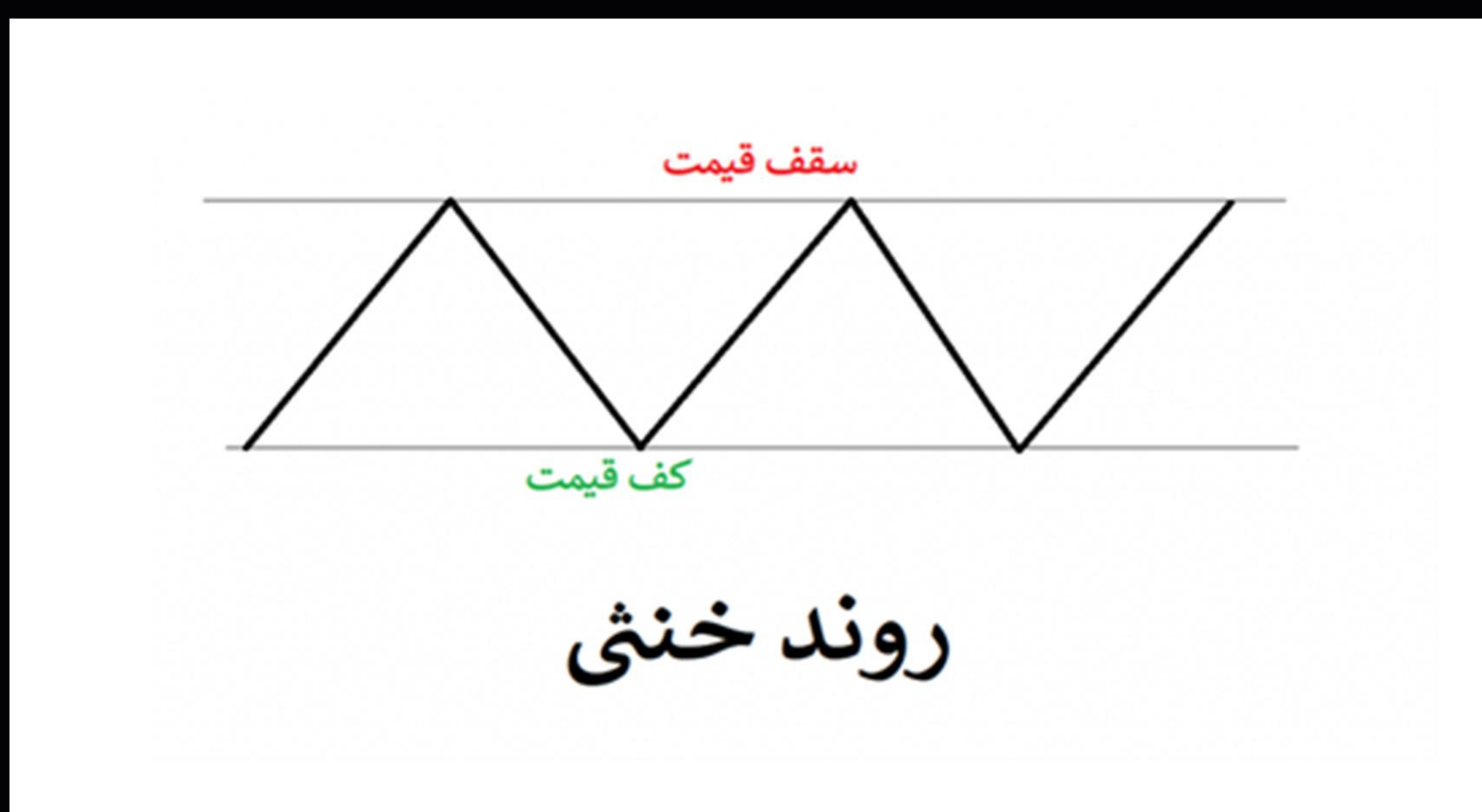
در روند نزولی، با کاهش قیمت، شاهد کف‌های قیمتی جدیدی هستیم که نسبت به کف قیمتی قبلی در سطوح پایین‌تری قرار دارند و همچنین اوج‌های قیمتی نمودار هم نسبت به اوج‌های قبلی پایین‌تر هستند. این ساختار کلی روند نزولی است و هر موقع که به ساختار نزولی اشاره می‌شود، منظور کف‌ها و اوج‌های قیمتی جدیدی است که پایین‌تر از سطوح قبلی بازار قرار دارند. در نمودار زیر به راحتی می‌توان این مفهوم را درک کرد. هر چند این روش برای تعیین روند بازار به نظر ساده می‌آید، ولی این مهم‌ترین و مطمئن‌ترین روش برای تعیین روند بازار است.



معرفی انواع روندها و خط روندها در بازارهای مالی

روند خنثی

در تحلیل‌های تکنیکال، روند اولویت اول هر تحلیلی است و نقش کلیدی در معاملات دارد. روند بازار نشان می‌دهد که قدرت دست چه کسی است؟ خریداران یا فروشندگان؟ اگر قدرت خریداران و فروشندگان برابر باشد به احتمال زیاد بازار بدون روند یا خنثی است. به نمودار زیر توجه کنید. بازار چندین بار به کف دامنه نوسانی یا همان محدوده حمایتی برخورد کرده است، همچنین سقف دامنه نوسانی یا محدوده مقاومتی هم چندین بار از سوی بازار لمس شده است. هر وقت که چنین شرایطی را در بازار مشاهده کردید، می‌توانید با اطمینان بگویید که بازار بدون روند یا خنثی است.



معرفی انواع روندها و خط روندها در بازارهای مالی

روندهای زمانی

غیر از جهت قیمت، طول مدت روند نیز حائز اهمیت می باشد. تا به حال تعریف غالبی برای تقسیم بندی زمانی روندها، بین تریدرها وجود نداشته اما تقسیم بندی غالب به سه دسته اشاره دارد: ۱: روند بلند مدت ۲: روند میان مدت ۳: روند کوتاه مدت

برای این تقسیم بندی روند بلند مدت را بیش از شش ماه یا یکسال در نظر می گیرند. روند میان مدت را بیش از یک ماه تا یکسال در نظر می گیرند و روند کوتاه مدت را دارای زمان کمتر از یک ماه در نظر می گیرند. گرچه روندهای میان روز کوچکتر از روندهای کوتاه مدتی است که تعریف کردیم اما اغلب معامله گران روندهای میان روز را نیز جزء روندهای کوتاه مدت طبقه بندی می کنند.

نکته دیگر در مورد روندها، حرکات موجی شکل آنها است. هر روند در بازه زمانی خاص خود تشکیل شده از چند روند کوچکتر و در بازه زمانی بزرگتر جزئی از موج روند بزرگتر است. بنابراین وقتی صحبت از روند به میان می آید تعیین بازه زمانی روند نیز حائز اهمیت می شود.



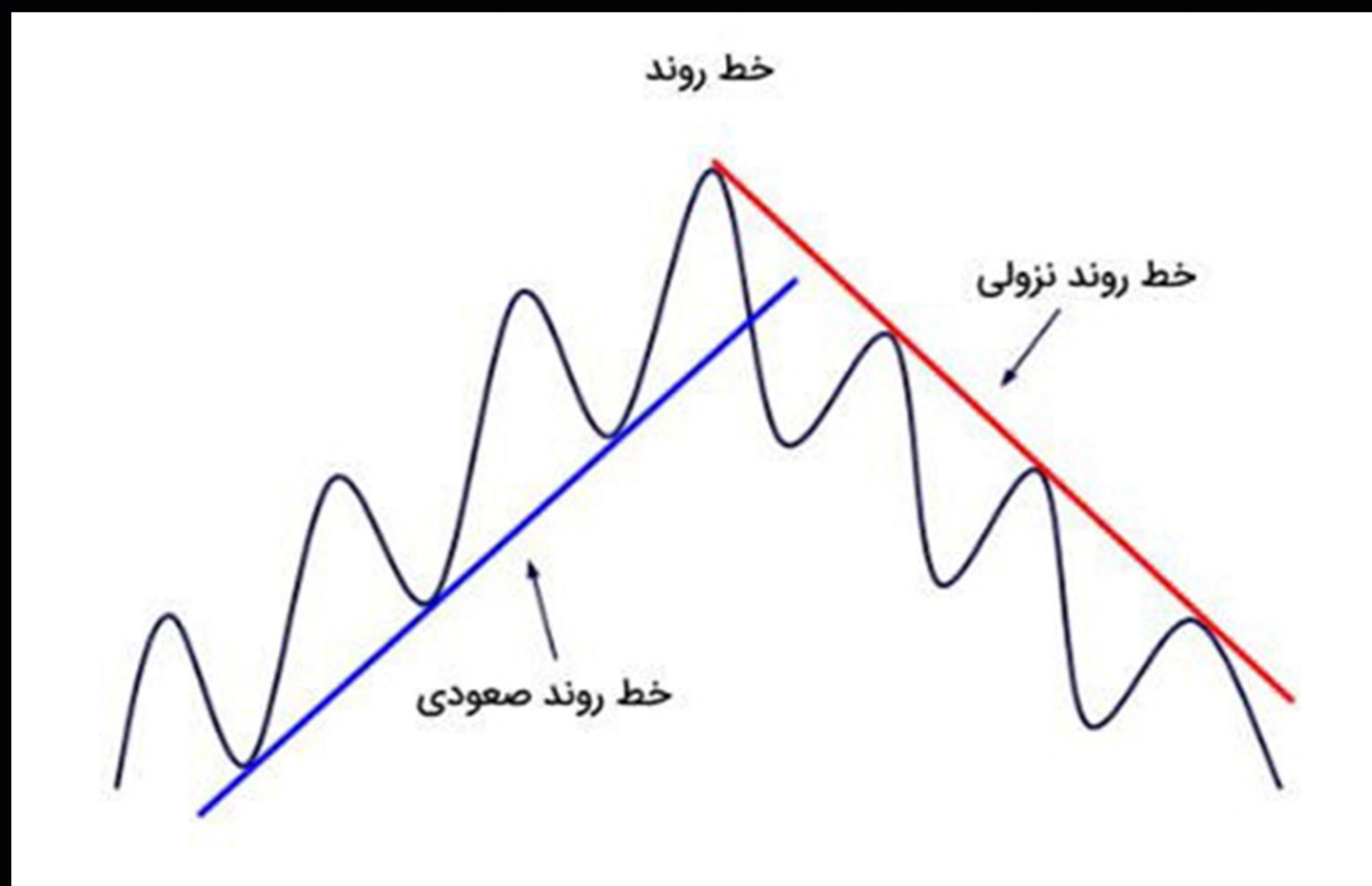
معرفی انواع روندها و خط روند ها در بازارهای مالی

انواع خط روند

در کل دو نوع خط روندی وجود دارد. خط روند صعودی و خط روند نزولی. در خط روند صعودی تنها کافی است که دو کف قیمتی اخیر بازار را به هم وصل کنید و خط رسم شده را بسط دهید. در خط روند نزولی هم باید دو اوج قیمتی اخیر را به یکدیگر وصل کنید و خط را بسط دهید. تئوری خط روندی بر این پایه استوار است که تا وقتی که خط روندی شکسته نشده، بازار در برخورد به آن واکنش نشان خواهد داد. برخی اوقات بازار به خط روند صعودی برخورد خواهد کرد و دقیقاً از خط روندی به سمت بالا باز خواهد گشت. در خط روند نزولی هم عکس این اتفاق روی خواهد داد.

خط روند صعودی: خط روند صعودی یک خط مستقیم است که به سمت راست و بالا کشیده شده است، دو یا چند نقطه پایین را به هم متصل می‌کند. نقطه پایین دوم در ترسیم خط روند صعودی، باید بالاتر از نقطه ابتدایی باشد. خطوط روند صعودی به عنوان پشتیبان عمل می‌کند و نشان می‌دهد که حتی با افزایش قیمت، تقاضا نسبت به عرضه بیشتر است.

خط روند نزولی: خط روند نزولی، خط مستقیمی است که به سمت راست و پایین کشیده شده است که دو یا چند نقطه اوج را به هم متصل می‌کند. ارتفاع نقطه دوم باید کمتر از نقطه اول باشد تا خط روند، شیبی رو به پایین داشته باشد. خطوط روند نزولی به عنوان مقاومت عمل می‌کند و نشان می‌دهد که حتی با کاهش قیمت، عرضه بیشتر از تقاضا است. تا زمانی که قیمت‌ها زیر خط روند باقی می‌مانند، روند نزولی دست نخورده در نظر گرفته می‌شود.

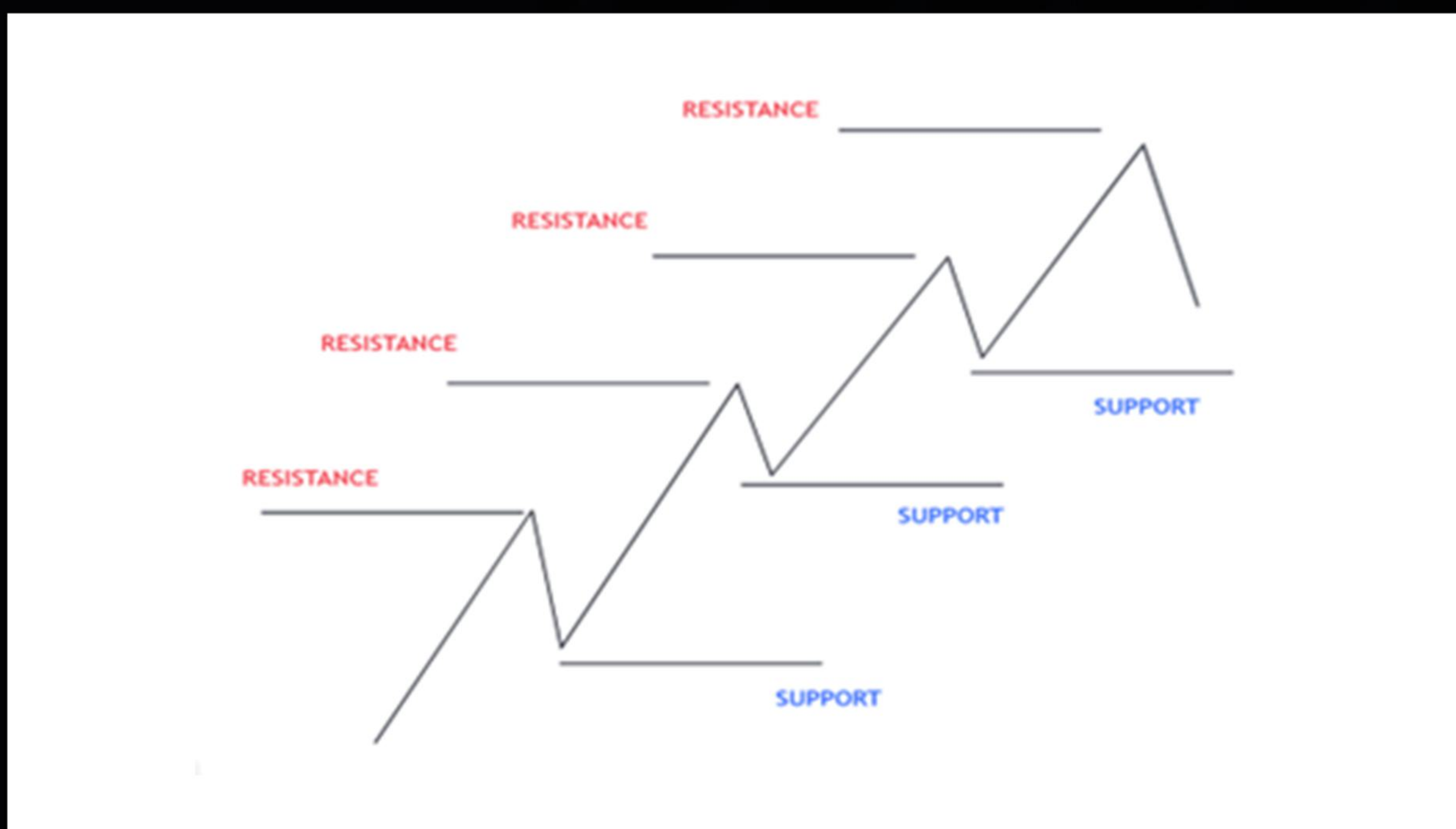


معرفی انواع روندها و خط روندها در بازارهای مالی

اصول کار با خط روند نحوه رسم و درجه اهمیت

همانطور که در بخش‌های پیشین اشاره شد روندها مجموعه‌ای از پیشی گرفتن موج‌های یک جهت قیمت بر جهت مقابل است. اگر به شکل زیر دقت کنید می‌بینید که روند صعودی مجموعه‌ای از روندهای کوچکتر است که مجموع و اندازه روندهای نزولی، کوچکتر از روندهای صعودی است. از همین رو روند غالب صعودی است. به بیانی دیگر شاهد آن هستیم که در روند صعودی مقاومت‌های جدید بالاتر از مقاومت‌های قبل از خود هستند اما قیمت در خطوط حمایت به حمایت قبل از خود نمی‌رسد. عکس این حالت برای روند نزولی تعریف می‌شود.

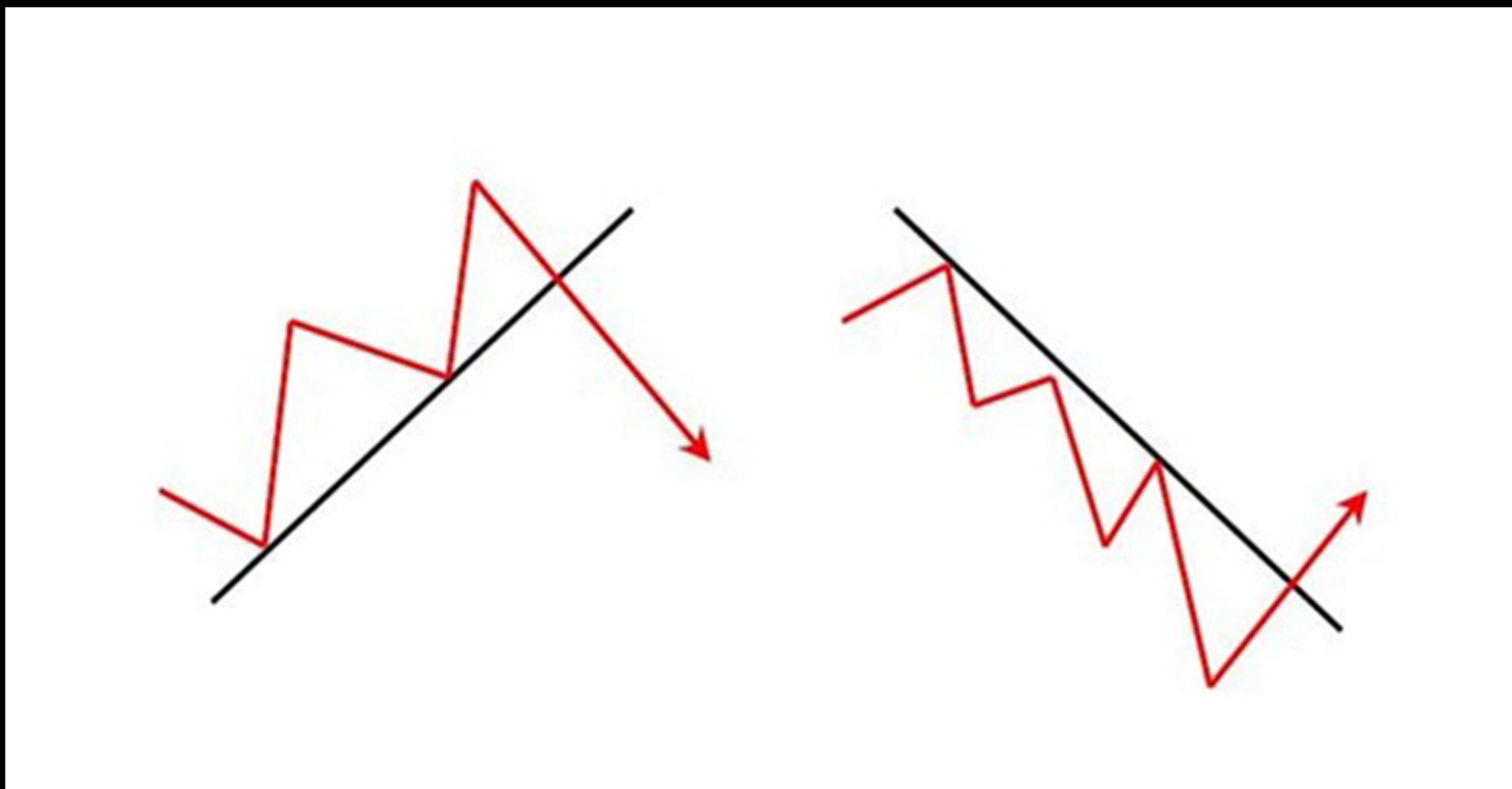
تا زمانی که در یک روند صعودی قرار داریم دره‌های قیمت (حمایت‌ها) نباید به قیمت پایین‌تر از حمایت قبلی برسد و در روند نزولی قله‌های قیمت (مقاومت‌ها) نباید به قیمت بالاتر از مقاومت قبلی برسد. این نکته مهم‌ترین اصل تشخیص و بکارگیری روند است. در صورتی که قله‌ها یا دره‌ها به موج قبل خود برسند در اصل بیان‌کننده این هستند که یا شیب روند غالب کم شده یا آن روند پایان یافته و روند معکوس جدیدی در پیش داریم.



معرفی انواع روندها و خط روندها در بازارهای مالی

برای ترسیم یک روند صعودی حداقل دو دره قیمت (حمایت) را به یکدیگر متصل می‌کنیم و تا زمانی که قیمت از امتداد این خط ترسیمی رد نشود روند صعودی می‌ماند. برای ترسیم یک روند نزولی حداقل دو قله قیمت (مقاومت) را به یکدیگر متصل می‌کنیم و تا زمانی که قیمت از امتداد این خط ترسیمی رد نشود روند نزولی می‌ماند.

اعتبار یک روند را تعداد دفعات برخورد قیمت با خط روند (ترند لاین)، میزان زمان باقی ماندن قیمت در روند و شیب روند تعیین می‌کند و در صورتی که هر کدام از سه پارامتر بالا بیشتر و بزرگتر باشد اطمینان کردن به روند غالب اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.



معرفی انواع روندها و خط روند ها در بازارهای مالی

استراتژی معامله با خط روند

اگر خطوط روند به درستی استفاده شوند، ابزارهای معاملاتی خوبی محسوب می‌شوند. همانطور که پیش از این گفتیم با اتصال ۳ کف یا سقف به یکدیگر می‌توانید شاهد یک خط روند معتبر باشید. از استراتژی‌های کاربردی خط روند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- استراتژی شکست و برخورد مجدد (Break and Retest)

۲- استراتژی خط روند پرچم (Trendline Flag)

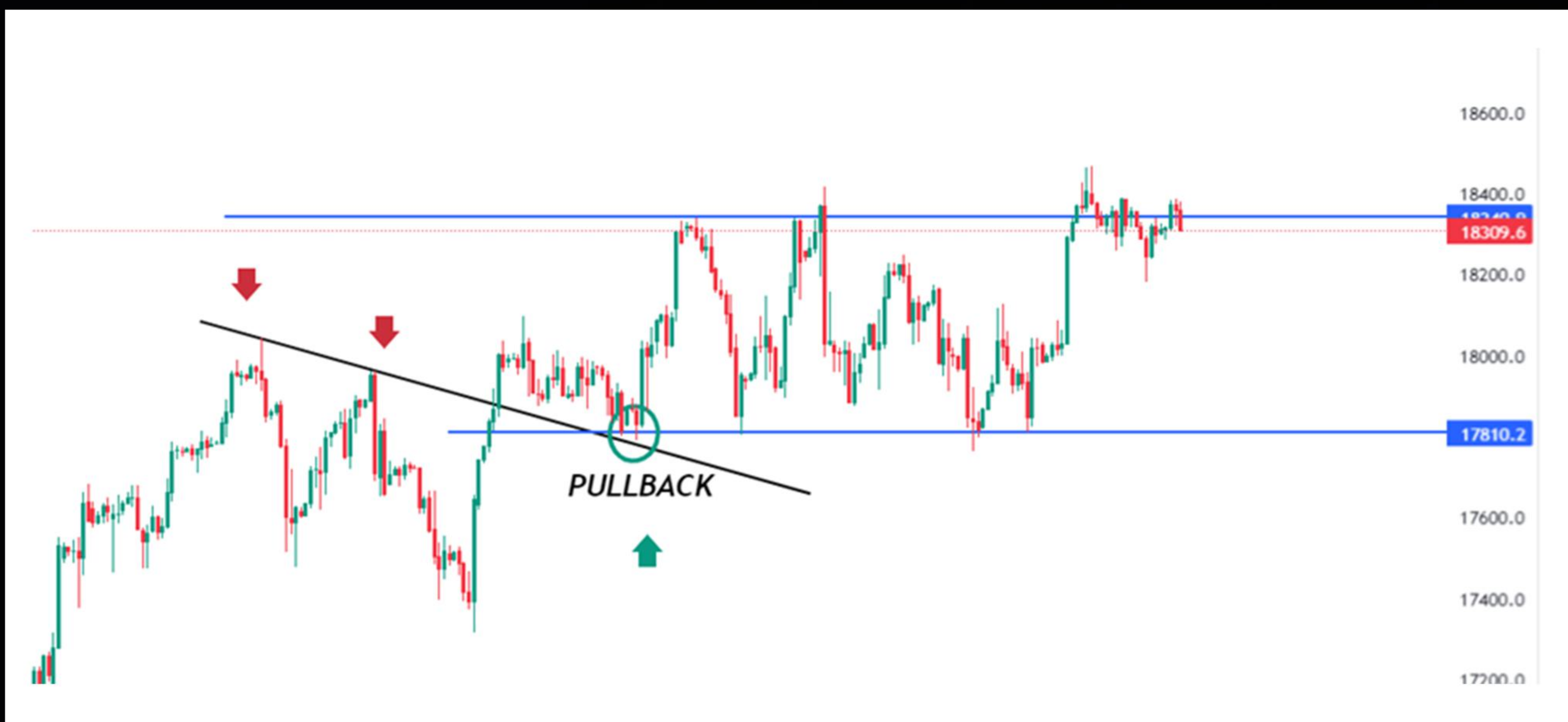


معرفی انواع روندها و خط روند ها در بازارهای مالی

استراتژی شکست و برخورد مجدد (Break and Retest)

استراتژی شکست خط روند و برگشت به آن، استراتژی متداولی است که بسیاری از تریدرها از آن استفاده می‌کنند. به‌طور کلی این استراتژی به این صورت است که وقتی وجود یک خط روند معتبر را تشخیص دادید، باید صبر کنید تا قیمت آن را شکسته و از آن عبور کند. البته گاهی اوقات قیمت بعد از شکست خط روند به حرکت خود ادامه می‌دهد و به خط روند شکسته شده برمی‌گردد. اما اگر قیمت به خط روند شکسته شده برگردد، می‌توان در این موقعیت که احتمال موفقیت بالایی هم دارد، وارد معامله شد. در خصوص زمان ورود به معامله، می‌توانید به تایم‌فریم‌های پایین‌تر مراجعه کنید و با گرفتن تائیدیه‌های بیشتر وارد معامله شوید، یا اینکه در همان تایم‌فریمی که خط روند را رسم کرده‌اید، معامله را انجام دهید.

خط روند هم به عنوان یک نشانه برای ورود به معامله عمل می‌کند و هم اینکه می‌توان از آن جهت تعیین حدضرر نیز استفاده کرد. معمولاً حدضرر در سمت مخالف خط روند قرار داده می‌شود، به طوری که خط روند مثل یک محافظ بین نقطه ورود به معامله و حدضرر عمل می‌کند.



معرفی انواع روندها و خط روند ها در بازارهای مالی

استراتژی خط روند پرچم (Trendline Flag)

سناریوی «شکست و برگشت» را می‌توان معامله در خلاف جهت روند یا معامله در ابتدای یک روند جدید در نظر گرفت. اما «پرچم» یک سناریوی معامله در جهت روند است.

در استراتژی پرچم، باید یک روند تثبیت‌شده وجود داشته باشد، سپس باید برای تشکیل یک منطقه رنج یا پولبک (برگشت) قیمت به یک ناحیه حمایتی یا مقاومتی صبر کنید. اگر بتوانید پولبک قیمت را با خط روند مشخص کنید، در این صورت با شکسته شدن این خط روند، می‌توانید در جهت روند اصلی وارد معامله شوید.

در تصویر زیر همانطور که مشاهده می‌کنید، قیمت در ابتدا در یک روند نزولی قرار داشته، سپس برای مدتی متوقف شده و یک پرچم با خط روند مشخص را تشکیل داده است. در این مثال همچنین می‌توانیم دیدگاه‌های تریدرها را به خوبی ببینیم؛ قیمت در مدت کوتاهی به شدت به سمت پایین حرکت کرده و این الگوی پرچم صعودی فقط نشان‌دهنده تمایل ضعیفی برای حرکت به سمت بالا بوده است. مقایسه شدت حرکات و روندهای قیمت، به شما در تشخیص اینکه شکسته شدن یک خط روند چقدر محتمل است، بسیار کمک می‌کند. در این مثال، روند نزولی نسبت به الگوی پرچم صعودی، خیلی قوی‌تر بوده و در نتیجه احتمال اینکه قیمت دوباره به حرکت خود در جهت روند نزولی ادامه دهد، خیلی بالاتر بوده است.



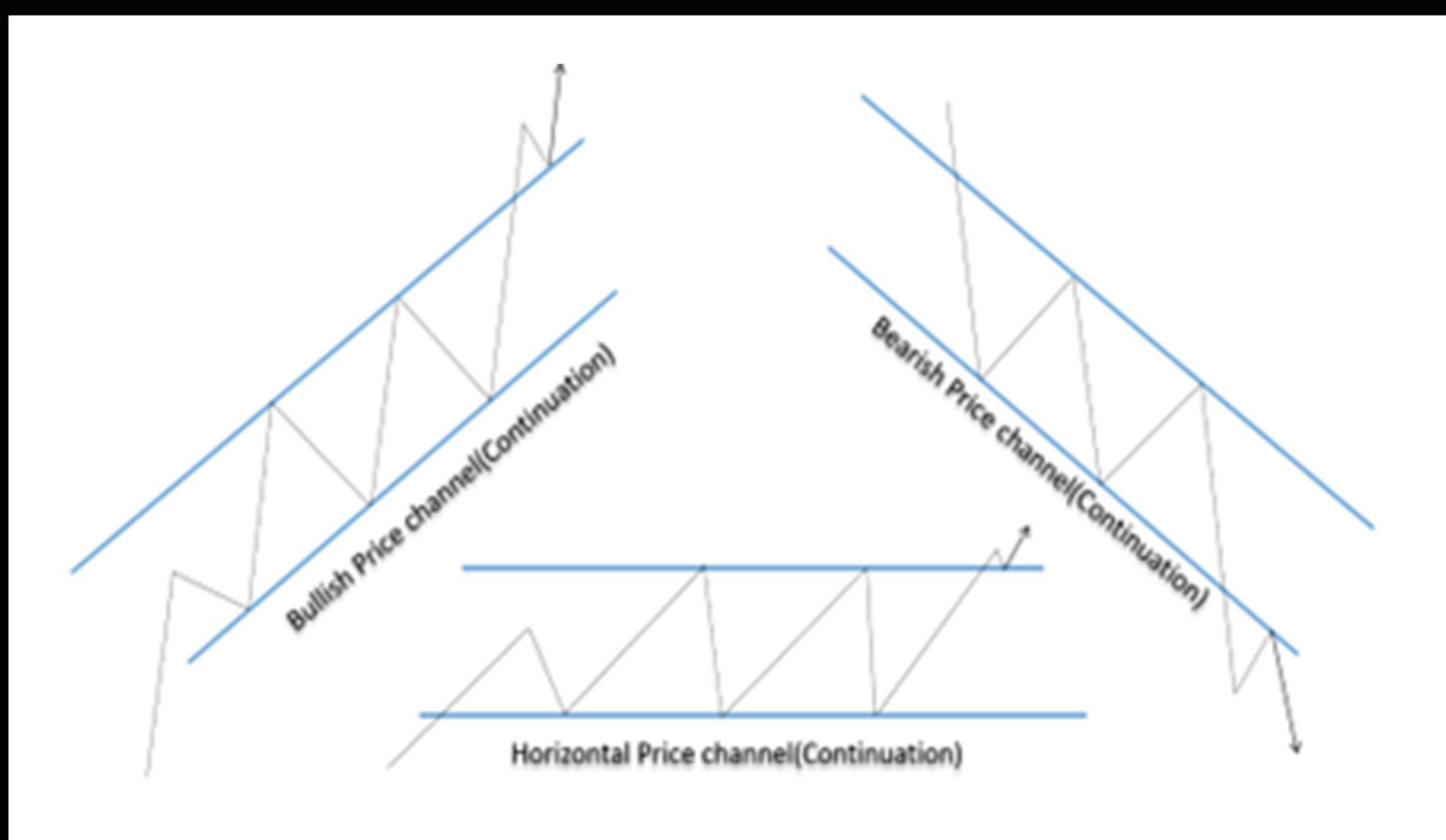
انواع کانال های قیمتی



ARON
GROUPS
BROKER

انواع کانال‌های قیمتی

معمولا روند‌ها تمایل دارند که در داخل کانال قیمتی خاص حرکت کنند بدین معنی که همانطور که شیب خط روند در صورت تغییر می‌تواند باعث تعویض نقش روند شود، خارج شدن بازار از کانال خود نیز می‌تواند باعث تغییرات در روند و شیب آن گردد. برای ترسیم خط کانال باید به موازات خط روند خطی از آخرین قیمت موجود در کانال رسم شود. برای خط روند حتما لازم بود دو نقطه را برای روند در نظر بگیریم اما در خط کانال نیازی به دو نقطه برخورد قیمت نمی‌باشد و تنها یک نقطه را با فرض استفاده موازی خط روند میتوان استفاده کرد. فراموش نشود خط کانال تابعی از خط روند می‌باشد و هیچ زمانی خط کانال قبل از خط روند ترسیم نمی‌شود.

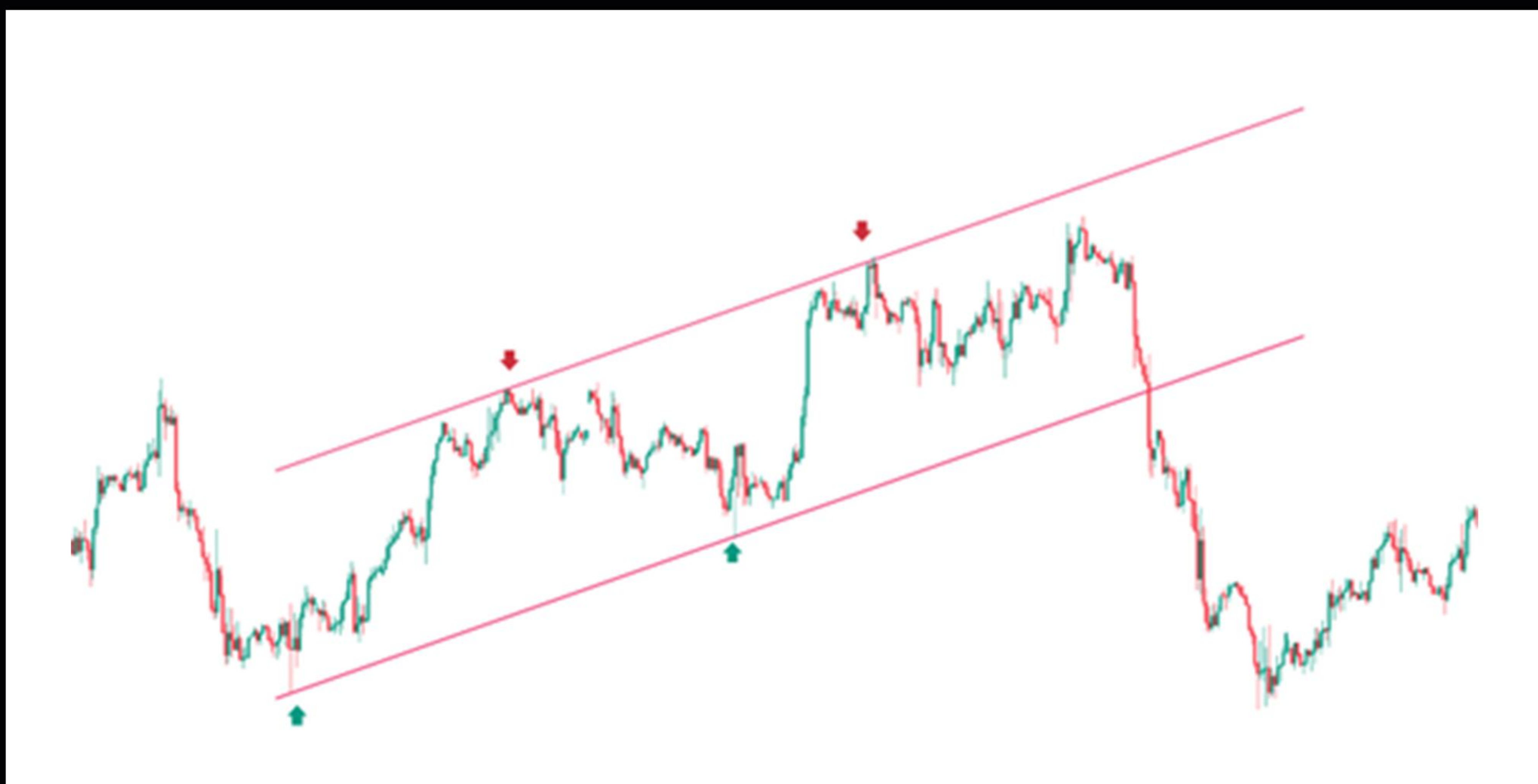


انواع کانال‌های قیمتی

کانال صعودی

یک کانال صعودی در واقع همان بازار صعودی است با این تفاوت که علاوه بر اینکه دره‌ها در یک راستای مشخص قرار دارند، قله‌ها نیز بر روی راستای مشخصی واقع‌اند که به موازات دره‌ها می‌باشد.

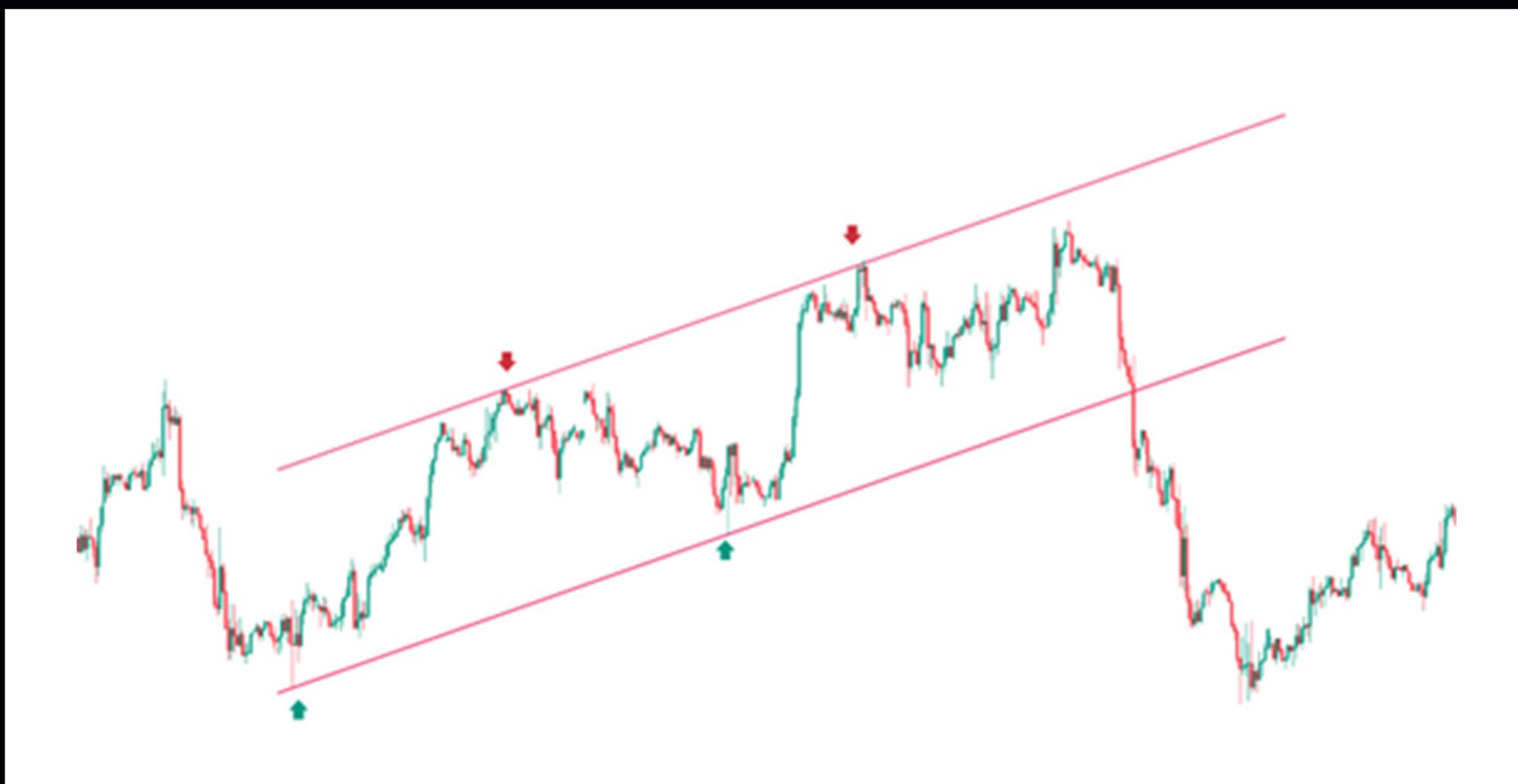
بزرگترین مزیت کانال صعودی نسبت به خط روند صعودی این است که در کانال صعودی از جایگاه احتمالی تشکیل قله‌ها بطور تقریبی مطلع هستیم. بنابراین می‌توانیم هنگام نزدیک شدن قیمت به ضلع فوقانی کانال، اقدام به فروش نموده و سود خود را تثبیت نماییم. سپس می‌توانیم صبر کنیم تا به محض نزدیک شدن قیمت به کف کانال مجدداً اقدام به خرید کرده و وارد بازار بشویم.



انواع کانال‌های قیمتی

کانال نزولی

در این کانال، شیب نمودار که از دو خط موازی تشکیل شده است، منفی می‌باشد و روند به سمت نزولی شدن در حرکت خواهد بود. در این نوع کانال، سقف‌ها و کف‌های قیمتی، پایین‌تر از سقف قبلی و کف قبلی خود هستند. پس زمانی الگوی کانال، نزولی است که شیب خط روند، منفی و در جهت پایین باشد.



انواع کانال‌های قیمتی

کانال افقی یا خنثی

کانال خنثی به این معنا است که برآیند قیمتی صفر است و اندازه سقف‌ها با سقف‌های قبلی برابر است و کف‌ها با کف‌های قبلی یکسان هستند. این کانال در بازارهای مالی یکی از ساده‌ترین نوع از کانال‌ها برای معامله کردن هستند.



انواع کانال‌های قیمتی

تکنیک‌های معاملاتی کانال

بر مبنای قوانین حاکم بر مفهوم کانال‌ها و ویژگی‌های آنها، استراتژی‌های معاملاتی مختلفی بر این اساس بوجود آمده است که در ادامه برخی از آنها را شرح می‌دهیم.

معامله بر روی کانال

یکی از تکنیک‌های معاملاتی کانال، معامله بر روی کانال است؛ به صورتی که در کف کانال (حمایت) اقدام به معامله خرید و در سقف کانال (مقاومت) اقدام به معامله فروش می‌کنیم. اما در این نوع تکنیک باید به چند نکته توجه داشت! اولین و مهمترین نکته در این نوع تکنیک این موضوع است که نباید خلاف روند کانال معامله کنیم؛ برای مثال در صورتی که کانال صعودی است در کف کانال به دنبال موقعیت‌های خرید هستیم اما در صورتی که کانال نزولی است و دارای یک روند نزولی هستیم بهتر است در کف کانال اقدام به معامله خرید نکنیم.



انواع کانال های قیمتی

تکنیک های معاملاتی کانال

معامله پس از شکست کانال

تکنیک دیگری که با استفاده از کانال می توان در معاملات به کار برد، معامله پس از شکست کانال می باشد. در این تکنیک زمانی که سقف کانال شکسته می شود می توان به دنبال موقعیت های خرید بود و زمانی که کف کانال شکسته می شود می توان به دنبال موقعیت های فروش بود. در این روش پس از شکست کانال چه رو به بالا و چه رو به پایین معمولاً قیمت حداقل به اندازه عرض کانال شکست شده رشد خواهد کرد.



چینگال اندروز



ARON
GROUPS
BROKER

مقدمه

اندیکاتورهای متعددی مبتنی بر مفاهیم کانال‌ها ایجاد شده‌اند که توسط معامله‌گران و تحلیل‌گران برای شناسایی روندها و نقاط برگشت بالقوه در بازار مورد استفاده قرار می‌گیرند. برخی از آنها عبارتند از:

باندهای بولینگر (Bollinger Bands): از یک خط میانگین متحرک در مرکز تشکیل شده است که دو باند در بالا و پایین میانگین متحرک ترسیم شده است. عرض باندها بر اساس نوسانات بازار متفاوت است و معمولاً با انحراف استاندارد داده‌های قیمت تعیین می‌شود.



کانال‌های دان چین (Donchian): این کانال‌ها بالاترین بالا و پایین‌ترین پایین را در یک دوره زمانی مشخص ترسیم می‌کنند و کانال‌هایی ایجاد می‌کنند که سطوح حمایت و مقاومت بالقوه را نشان می‌دهند.



مقدمه

همانطور که مشاهده می‌کنید بولینگر باندها و کانال‌های دان چین ظاهر مشابهی دارند. اما این دو اندیکاتور تفاوت‌های اساسی با هم دارند. از جمله این تفاوت‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

عرض باندهای بولینگر بر اساس نوسانات بازار تنظیم می‌شود. در دوره‌های نوسان زیاد، باندها گسترده می‌شوند و در دوره‌های نوسان کم، نوارها منقبض می‌شوند اما کانال‌های دان چین به طور مستقیم نوسانات را در نظر نمی‌گیرند. در عوض، آنها نقاط بالا و پایین مطلق را در یک دوره مشخص نشان می‌دهند و نمایشی بصری از محدوده‌ای که قیمت‌ها در آن حرکت کرده‌اند ارائه می‌دهند.

باندهای بولینگر اغلب برای شناسایی نوسانات و نقاط برگشت بالقوه استفاده می‌شوند. هنگامی که باندها منقبض می‌شوند، ممکن است دوره‌ای از نوسانات کم را نشان دهند که به طور بالقوه نشان دهنده افزایش آتی در نوسانات و حرکت قیمت است. برعکس، زمانی که باندها گسترش می‌یابند، ممکن است دوره‌ای از نوسانات بالا را نشان دهند. در صورتیکه کانال‌های دان چین معمولاً برای شناسایی جهت و قدرت یک روند استفاده می‌شوند. شکست در بالای کانال بالا ممکن است نشانه روند صعودی باشد، در حالی که شکست در زیر کانال پایین ممکن است نشان دهنده روند نزولی باشد.

معامله‌گران در هنگام استفاده از باندهای بولینگر اغلب از فنون پرایس اکشن برای شناسایی سیگنال‌های بالقوه برای شرایط اشباع خرید یا اشباع فروش هنگامی که به ترتیب قیمت باندهای بالایی یا پایینی را لمس کرده یا از آن عبور می‌کند، استفاده می‌کنند. علاوه‌براین، دوره‌های انقباض و به دنبال آن گسترش ممکن است فرصت‌های بالقوه شکست را نشان دهد.

چنگال اندروز

کانال‌های رگرسیون: این کانال‌ها از رگرسیون خطی برای ترسیم کانالی استفاده می‌کنند که بهترین تناسب با داده‌های قیمت را دارد. این شیوه به شناسایی روند کلی و نقاط برگشت بالقوه کمک می‌کند.



چنگال اندروز (Andrews' Pitchfork): این ابزار از سه خط روند موازی برای شناسایی سطوح حمایت و مقاومت بالقوه استفاده می‌کند. چنگال اندروز بر اساس این ایده استوار شده است که قیمت تمایل دارد به میانگین درون کانال بازگردد. در این فصل به طور اختصاصی در مورد این ابزار صحبت می‌کنیم.



چنگال اندروز

پارابولیک سار (Parabolic SAR): اگرچه این ابزار نشانگر یک کانال سنتی نیست، پارابولیک سار نقطه‌هایی را در بالا یا پایین قیمت ایجاد می‌کند و نقاط برگشت احتمالی را نشان می‌دهد. معامله‌گران می‌توانند از این نقاط به عنوان کانالی برای هدایت تصمیمات معاملاتی خود استفاده کنند.



چنگال اندروز

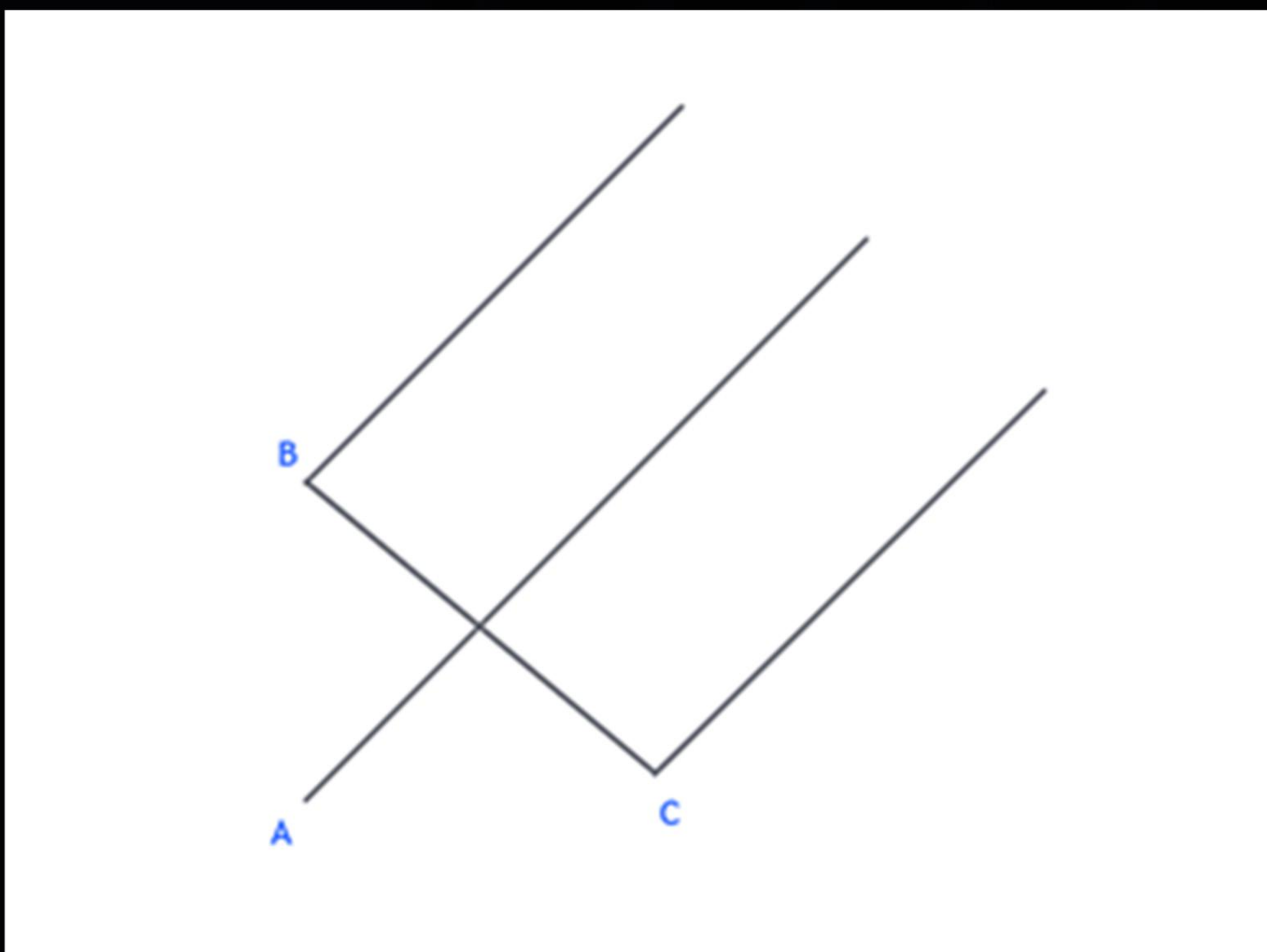
چنگال اندروز چیست؟

چنگال اندروز توسط آلن اندروز ابداع شده است. این چنگال یک شاخص تکنیکال است که برای تعیین حدود حمایت و مقاومت استفاده می‌شود. شکل ظاهری این چنگال به مشابه دو کانال موازی است. چنگال اندروز از سه خط روند موازی (خط میانی، خط بالایی و خط پایینی) تشکیل شده است. چنگال اندروز به یکی از دو صورت زیر رسم می‌شود:

کف - سقف - کف

سقف - کف - سقف

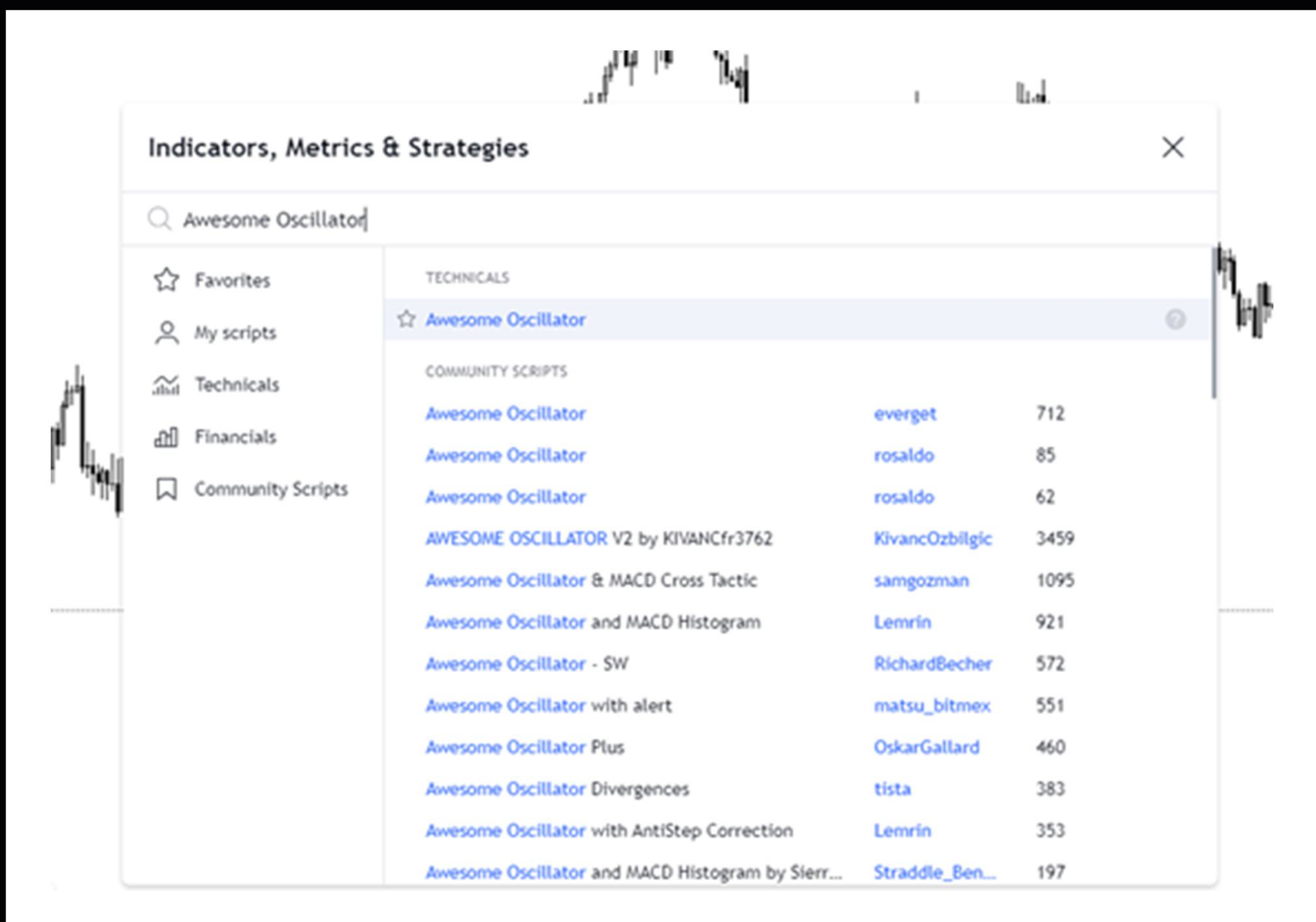
از این شاخص برای شناسایی سطوح احتمالی حمایتی/مقاومتی و شناسایی سطوح شکست استفاده می‌شود. خطوط روند این شاخص با انتخاب سه نقطه چرخشی (نقاط شروع حرکت‌های نزولی/صعودی) رسم می‌شوند. هنگامی که نقاط A، B و C در جای خود قرار گرفتند، خط مستقیم از نقطه A و خطوط روند بالا و پایین به موازات خط میانی از نقاط B و C ترسیم می‌شوند.



رسم چنگال اندروز به کمک اندیکاتور Awesome Oscillator

حال بیابید در مورد نحوه پیدا کردن نقاط چرخشی بحث کنیم. برای رسم چنگال به سه نقطه چرخشی نیاز داریم. منظور از نقطه چرخشی: نقطه‌ای است که قیمت در آن تغییر جهت یا مسیر می‌دهد. این نقاط را با چشم به راحتی می‌توان در بازار پیدا کرد. دکتر اندروز برای پیدا کردن این نقاط از شکست سطوح قیمتی مهم استفاده می‌کرد. اما ما می‌توانیم جهت اطمینان بیشتر از اندیکاتور AO بیل ویلیامز استفاده کنیم.

برای اضافه کردن اندیکاتور AO به روش زیر عمل می‌کنیم:



چنگال اندروز

پیدا کردن نقاط چرخشی به وسیله اندیکاتور Awesome Oscillator

بعد از اضافه کردن اندیکاتور به نمودار قیمتی، به فازها و تغییرات AO نگاه می‌کنیم تا بتوانیم نقاط چرخشی را به دست آوریم. این اسیلاتور دارای دو فاز مثبت و منفی است که برای اندازه‌گیری حرکت بازار و معمولاً برای تأیید روندها یا پیش‌بینی بازگشت بازار استفاده می‌شود.

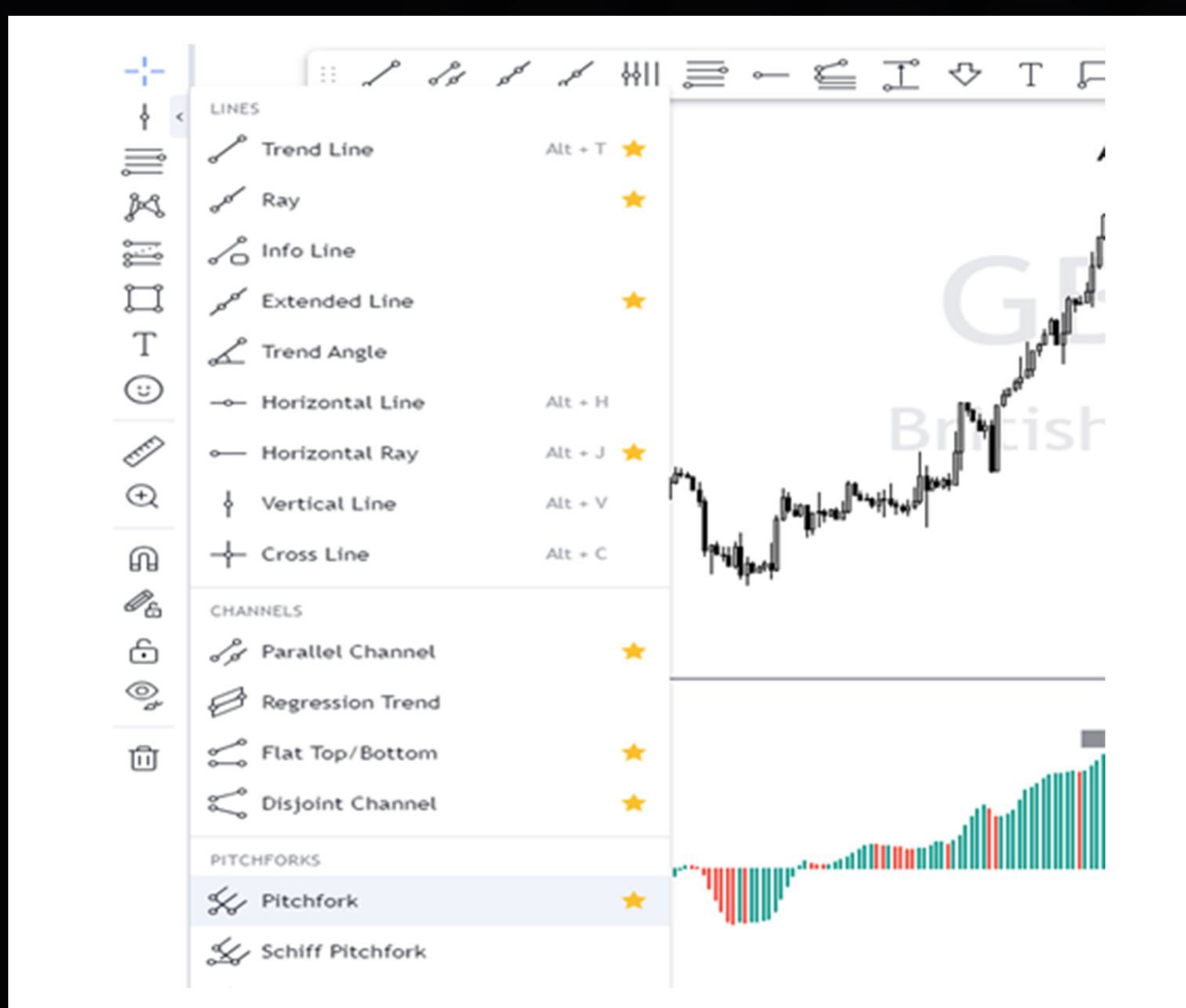


طبق تصویر بالا مشاهده می‌کنید در هر فاز مثبت یا منفی اوج/کف قیمتی وجود دارد. با استفاده از اندیکاتور AO می‌توان نقاط اوج و کف قیمتی که بازار در آن تغییر روند با تغییر جهت داده را پیدا کرد تا چنگال ترسیم شود.

چنگال اندروز



طبق نمودار بالا، با استفاده از اندیکاتور AO نقاط A، B و C را پیدا کرده‌ایم. بنابراین می‌توانیم چنگال اندروز را رسم کنیم. برای رسم چنگال می‌توانید از منوی Andrew's Pitchfork، insert، انتخاب کنید.



بعد از اینکه نقاط چرخشی را به وسیله اندیکاتور AO مشخص کردیم، طبق تصویر بالا چنگال اندروز را انتخاب می‌کنیم. سپس بر روی هر یک از نقاط A، B و C کلیک می‌کنیم تا چنگال رسم شود.

چنگال اندروز

طبق تصویر زیر مشاهده می‌کنید که GBPUSD بعد از ورود به چنگال، از سوی خط روند میانی با حمایت مواجه شده و به سمت خط روند بالایی بازگشته است.

بعد از رسم چنگال اندروز، نوبت به خط ماشه چنگال می‌رسد. خط ماشه از نقطه A به هر یک از دو نقطه B و C وصل می‌شود و امتداد می‌یابد. برای ترسیم خط ماشه منتظر شکست چنگال می‌مانیم. در نمودار بالا، جفت ارز خط روند بالایی را شکسته است، به همین دلیل برای رسم خط ماشه، خط روند جدید را از نقطه A به نقطه B وصل می‌کنیم. خط ماشه به ما می‌گوید که اولین هدف قیمتی بازار بعد از شکست چنگال چه سطحی است.





در نمودار چهارساعته GBPUSD بعد از رسم چنگال نزولی، جفت ارز خط روند بالایی را شکسته و تا خط ماشه حرکت کرده است. به یاد داشته باشید که در چنگال نزولی خط روند بالا و خط ماشه مهم هستند.

چنگال اندروز

خط میانی چنگال چیست؟

خط میانی نیمساز یک کانال یا دامنه قیمتی مشخص است. خط میانی چنگال به عنوان یک منطقه مهم حمایتی یا مقاومتی عمل می‌کند، به طوری که در اطراف این خط، سیگنال بازگشتی یا نقاط چرخشی اتفاق می‌افتد. بدین صورت که اگر قیمت خط میانی را به سمت بالا بشکند، خط موازی هدف بعدی بازار خواهد بود. همچنین اگر قیمت زیر خط روندی بسته شود، خط موازی پایینی هدف بازار خواهد بود.



چنگال اندروز

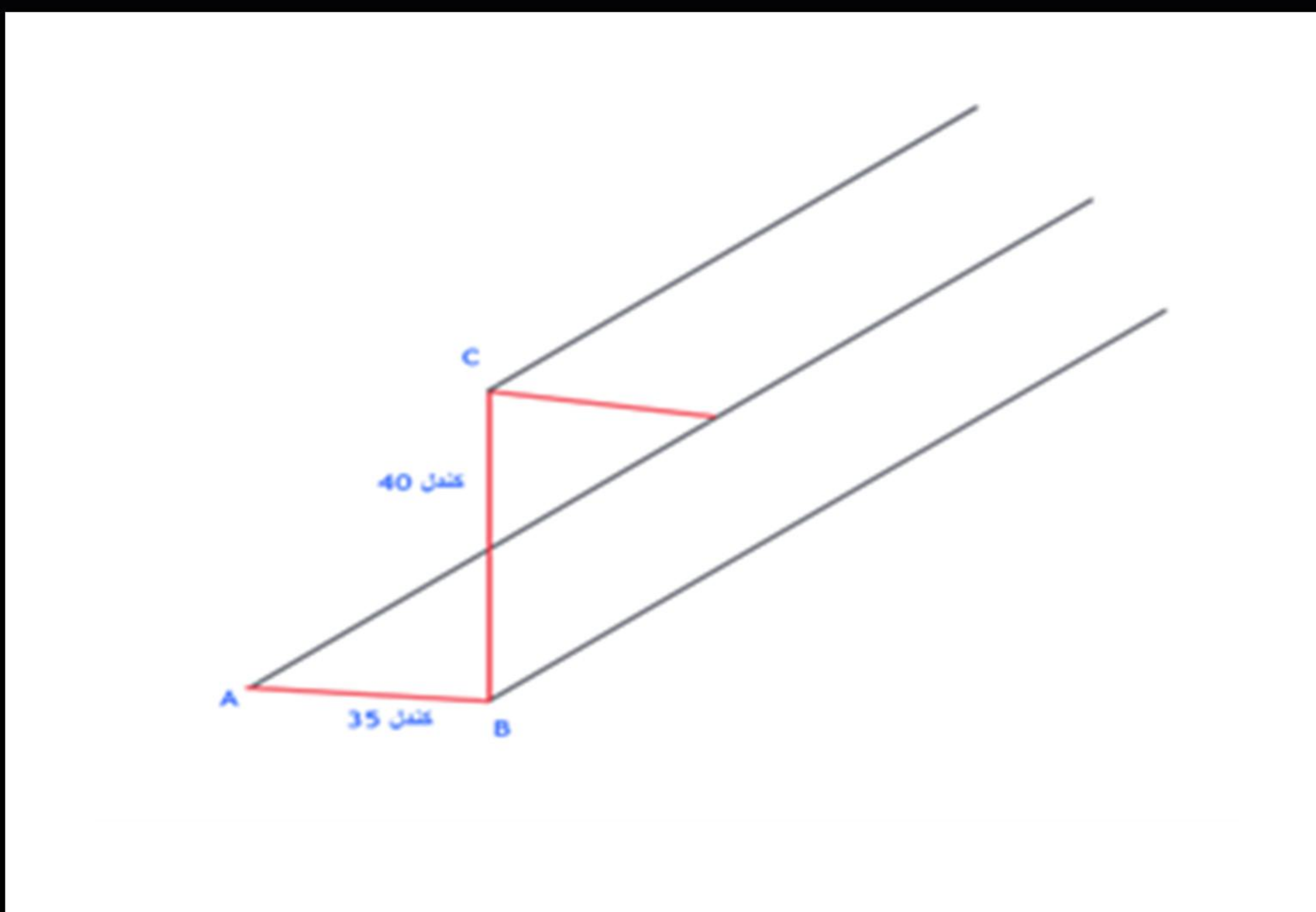
اصول چنگال اندروز

قیمت در اکثر موارد (بیش از ۸۰ درصد موارد) خط میانی چنگال را لمس می‌کند. اکثر اوقات بازار با لمس خط میانی چنگال تغییر مسیر/جهت می‌دهد. قیمت می‌تواند بیش از یکبار خط میانی را لمس کند و معمولاً بعد از برخورد قیمت به خط میانی، بازار نوسانی می‌شود. اگر قیمت نتواند (۲۰ درصد موارد) خط میانی چنگال را لمس کند، در این صورت بازار مایل است که موج بزرگتری بر خلاف جهت چنگال ایجاد کند. بدین معنی اگر بازار چنگال صعودی تشکیل داده باشد ولی به خط میانی برخورد نکند، احتمال اینکه شاهد شروع رالی نزولی جدید در بازار باشیم وجود دارد.



تشخیص زمان لازم قیمت برای رسیدن به خط میانی

فرض کنید چنگال اندروز را از سه نقطه چرخشی رسم کرده‌ایم، برای تشخیص مدت زمانی که طول می‌کشد بازار از نقطه سوم به خط میانی برسد، کافی است: تعداد کندل‌های قیمتی بازار بین نقاط اول-دوم و سپس تعداد کندل‌های بین نقطه‌های دوم-سوم را بشماریم. در آخر عدد بزرگ‌تر را انتخاب می‌کنیم تا حداکثر زمان لازم جهت رسیدن قیمت از نقطه سوم به خط میانی را به دست آوریم.



به عنوان نمونه در تصویر بالا، ۳۵ کندل قیمتی بین نقاط A و B، ۴۰ کندل بین نقاط B و C وجود دارد. از آنجایی که عدد ۴۰ بزرگ‌تر از ۳۵ است، انتظار می‌رود که بازار بعد از ۴۰ کندل قیمتی به خط میانی برسد.

اگر در طول این مدت زمان قیمت به خط میانی نرسد باید نتیجه بگیریم که بازار وضعیت مناسبی ندارد. بدین ترتیب باید صبر کنیم تا روند بازار مشخص شود و سپس تصمیم ورود به بازار را بگیریم.

چنگال اندروز

سیگنال های معاملاتی چنگال

۱. بازار به خط میانی چنگال می‌رسد و قیمت در واکنش به این خط، کندل بازگشتی تشکیل می‌دهد. اگر در این حین، اندیکاتور RSI نیز در منطقه اشباع خرید/فروش باشد، می‌توان به فکر معامله خرید/فروش بود.

۲. بازار به خط میانی برخورد می‌کند. مقاومت/حمایت این خط موجب بازگشت بازار به سمت خط روند پایینی/بالایی شده و در ادامه یکی از این خطوط شکسته می‌شود. در این صورت می‌توان به دنبال معامله خرید/فروش بود.

۳. بازار بعد از لمس خط میانی به سمت خط روند بالایی/پایینی باز می‌گردد ولی نمی‌تواند یکی از این خطوط را بشکند و بعد از تشکیل کندل بازگشتی، بازار داخل چنگال نوسان می‌کند. به عنوان مثال، بازار به خط روند پایینی برخورد می‌کند و کندل پین بار صعودی تشکیل می‌دهد، در این صورت می‌توان وارد معامله خرید شد که خط میانی هدف اول قیمتی خواهد بود.

۴. قیمت به خط میانی نرسد (اصل چهارم)، در این حال در این صورت بهتر است صبر کنیم تا خط بالایی/پایینی به همراه خط ماشه چنگال شکسته شود، در این حال می‌توان گفت سیگنال معاملاتی صادر شده است.

در نمودار چهار ساعته AUDUSD ملاحظه می‌کنید که بازار در چنگال صعودی به خط میانی نرسیده است و در ادامه جفت ارز بعد از شکست خط پایینی و خط ماشه سقوط کرده است.





**ARON
GROUPS
BROKER**

    arongroups

 arongroups.co

 arongroupsbroker_academy